

روش تفسیر جامع (رویکردی کیفی در تفسیر قرآن کریم)

زاهد هاشمیان فرد^۱

چکیده

قرآن کریم یگانه کتاب آسمانی است که بدون هیچ تحریفی به دست ما رسیده است. این کتاب جامع ترین و استوارترین آموزه ها را به بشریت عرضه می نماید ویژگی های منحصر به فرد این کتاب بزرگ سبب گردیده است که نه تنها مسلمانان بلکه محققان ادیان و مذاهب دیگر نیز در صدد شناخت آن برآیند.

دستیابی به محتوای این کتاب بزرگ، به ویژه با توجه به بیان دقیق و خارق العاده آن، روش شناسی خاص خود را می طلبد. شناخت لغزشگاه ها و پیشگیری از برداشت های سطحی از این کتاب گرانسنگ، بستگی کامل به تعریف و تبیین دقیق و عمیق معانی و روش فهم و تفسیر آن دارد.

معانی و روش تفسیر، مجموعه ای از ضوابط کلی است که مفسر در هنگام تفسیر باید با رعایت آنها و در چارچوب آنها به تفسیر قرآن بپردازد.

نگارنده در مقاله حاضر کوشش کرده است با استفاده از روش تحقیق کیفی، و با تحلیل فرآیند درک و شناخت معانی و مفاهیم قرآن کریم در بین روش های مختلف تفسیری، روش تفسیر جامع را که کامل ترین روش در این عرصه می باشد، معرفی نماید.

کلیدواژه ها: قرآن کریم، تفسیر، روش تفسیر

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

نزول آیات قرآن کریم به دنبال بعثت آخرین پیام‌آور الهی بسان نزول آب حیات بر کویر سوخته‌ای بود که جان‌های خواب زده انسان‌های عصر را بیدار کرد و در جهانی لبریز از جهالت، گمراهی و ناپاکی، دریچه‌ای از معرفت، معنویت، محبت و زندگی جاوید را بر آنان گشود.

آیات قرآن، حقایق نابی بود که از دریای بیکران علم الهی تراوش می‌یافت و بی‌هیچ ناخالصی به آدمیان ابلاغ می‌گردید. این حقایق خالص بر وجود انسان بالغ و حقیقت‌جو چنان کارگر می‌افتاد که او را در مضامین انسان‌سازش غوطه‌ور می‌ساخت. آیات قرآن کریم با دست اعجاز الهی به گونه‌ای تنظیم شده که تا پایان جهان، معارف نورانی آن فرا راه انسان است و در هر زمان، فهم از قرآن چه از نظر کیفی و چه از نظر کمی در تکامل و زیاد شدن است. هر چه فطرت انسان ها شکوفاتر می‌شود و عقل و علم آنان از انسان و جهان، افزونتر می‌گردد، فهم از قرآن نیز شکوفاتر می‌شود و نه تنها تعداد یافته‌های او از این کتاب جاودانه رو به فراوانی می‌نهد که فهم‌های گذشته‌ی او نیز ژرفتر و پر فروغتر می‌گردد.

بیان مسأله

گرچه قرآن کریم بر اساس آیات خود برای فهم و پند گرفتن سهل و آسان است (نک: سوره قمر و تکرار آیه *وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ* ، و هر اندیشمندی که اندکی با قرآن آشنایی داشته باشد، نیک می‌داند که معارف قرآن کریم دارای سطوح و مراتب مختلف است و دلالت آیات بر آن معارف یکسان نیست. فهمیدن قسمتی از این معارف برای هر کسی که به زبان عربی آشنا باشد، بدون نیاز به تفسیر امکان پذیر است، و به میزان دانش خود می‌تواند از هدایت آن بهره‌مند شود. ولی فهمیدن بخش عمده‌ای از معارف بلند این کتاب عظیم که در سطحی فراتر از فهم توده مردم است، برای بسیاری از افراد برغم دانش عربی، بدون مراجعه به تفاسیر میسر نیست.

بنابراین معارف قرآن کریم، همه در یک سطح نیستند بلکه از جهت سهولت و صعوبت فهم آن دارای مراتبی است: فهم مرتبه‌ای از آن بی‌نیاز از تفسیر است، و فهم مرتبه دیگر از آن، انحصاراً در اختیار راسخان در علم است (نک: آل عمران/۷)،

ولی مرتبه‌ای از آن که بخش عمده‌ای از معارف قرآن را به خود اختصاص داده است، نیازمند تفسیر است. همین نیاز موجب شده است که مسلمانان در طول تاریخ تفاسیر زیادی را تدوین نمایند، و در این راستا هر کدام از مفسران در تدوین تفسیر، روش مطلوب خود را در پیش گرفته‌اند و هر کدام از آنان به فراخور فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر جامعه خود، مطالبی را تحت عنوان تفسیر نگاشته‌اند که گاهی پیام اصلی خداوند در بین افکار و پیش فرض‌های مفسر گم گشته است.

از این رو، مفسران در چگونگی تفسیر آیات قرآن، و روش‌های اتخاذ شده برای این منظور، سخت در اختلاف هستند.

اینک و با توجه به موارد یاد شده سؤال اصلی این است که آیا روشی وجود دارد که با استفاده از آن بتوان ضمن مصون ماندن از برداشت‌های ناصحیح از آیات، پیام قرآن را به طور شایسته فهمید؟

از این رو، تحقیق حاضر به دنبال اکتشاف و تبیین روش تفسیر جامع قرآن کریم از دیدگاه قرآن کریم، و رهنمودهای معصومین (ع) در کیفیت فهم مقاصد قرآن کریم و توضیح و تفسیر آن می‌باشد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نظامی در کشور شکل گرفت که قانون اساسی آن بوسیله مجتهدان اسلام شناس تدوین یافت؛ و آنان در تنظیم تک تک مواد آن، آموزه‌ها و توصیه‌های قرآن کریم و نهج البلاغه را نصب العین خود قرار دادند. پس از شکل‌گیری حکومت، سخنان رهبران آن نیز به نوعی انعکاس آیات قرآن و رهنمودهای امامان معصوم به خصوص علی(ع) در زمینه کشورداری بوده است. به طوری که با دقت در سخنان و موضع‌گیری آنان، می‌توان به سهولت به خاستگاه آن پی برد.

بنابراین، و با عنایت به جهان بینی حاکم بر کشور و جهت‌گیری قانون اساسی آن و موضع‌گیری‌های بین المللی و انعکاسات جهانی موارد یاد شده، ضرورت دارد اندیشمندان مسلمان در تفسیر روش مند قرآن کریم، اجتهاد لازم را به کار بندند تا در پرتو آن مشکلات فراروی حکومت برخاسته از قرآن کریم را بر طرف

ساخته، و چراغ پرفروغی باشد برای کسانی که می‌خواهند قرآن کریم در زندگی فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی آنان معیار و ملاک باشد.

از این رو، شناخت صحیح و جامع مفاهیم و معارف قرآن در گرو تفسیر روش‌مند این کتاب آسمانی است. چنین تفسیری هنگامی میسر است که از یک سو، مفسر قرآن از شرایط لازم برای تفسیر برخوردار باشد و از سوی دیگر نیز، منابع تفسیر - به خصوص روایات - دارای اصالت و اعتبار لازم باشد. بی‌توجهی به این مهم سبب شده است که مسلمانان و جامعه اسلامی همواره در اثر تفسیرهای جاهلانه و یا عناد آلود اشخاص، گروه‌ها و فرقه‌های منحرف زیان ببینند. تفسیرهای ارائه شده از سوی خوارج در نیمه نخست سده اول هجری و همچنین گروهک فرقان در عصر حاضر دو نمونه آشکار از این گونه تفاسیر است. شایان ذکر است که شناخت روش تفسیر جامع و روش‌مند، نقش اساسی در شناخت تفسیر صحیح قرآن و تمایز آن از تفاسیر ناصواب دارد.

اهداف تحقیق

- ۱- بررسی عوامل تاثیر گذار بر تفسیر روش‌مند و کیفی قرآن کریم.
- ۲- شناخت و تبیین مهمترین عوامل تاثیر گذار در تفسیر جامع قرآن کریم.

سؤال تحقیق

آیا روشی برای تفسیر قرآن کریم وجود دارد که مفسران در پرتو آن بتوانند حداکثر بهره‌برداری را از معارف عمیق قرآن کریم داشته باشند؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی، انجام گرفته است، و تلاش دارد تا با تحلیل فرآیندهای شناخت و درک معانی و عمق مفاهیم قرآن کریم، زمینه تفسیر مناسب آن را بازشناساند.

تعریف مفاهیم و اصطلاحات تحقیق

تفسیر: کلمه تفسیر فقط یک بار در قرآن کریم (فرقان/ ۳۳) به کار رفته است. لغت‌شناسان این واژه را به معنای بسط و وسعت دادن می‌دانند (نک: قرشی، ج ۵، ص ۱۷۵)؛ و نویسنده کتاب گرانسنگ "التحقیق فی کلمات القرآن"، آن را چنین معنا می‌کند: "فسر" اصل واحدی است که به معنای شرح همراه با

توضیح است؛ و در معنای اصطلاحی آن می‌گوید: تفسیر از این معنا گرفته شده است و تفسیر هر کلامی به دو امر بستگی دارد. اول: فهم دقیق و تحقیقی مفاهیم الفاظ و کلمات؛ و دوم: فهم مراد متکلم. لازمه اولی، اجتهاد و تحقیق کامل در لغات است، و لازمه دومی، متوقف است بر تحقق نورانیت باطنی و بصیرت قلبی و ارتباط معنوی و توجه روحی و انقطاع از علایق دنیوی (نک: المصطفوی، ج ۹، ص ۸۶).

آیت الله جوادی آملی در تفسیر "تسنیم" تفسیر را چنین تعریف می‌کند: "تفسیر به معنای روشن کردن و پرده برداری از چهره کلمه یا کلامی است که براساس قانون محاوره و فرهنگ مفاهمه ایراد شده باشد و معنای آن، آشکار و واضح نباشد. قهراً لفظی که معنای آن بدیهی است، بی نیاز از تفسیر است" (نک: جوادی آملی، ج ۱، ص ۵۲ و ۵۳).

روش تفسیری: آیت الله عمید زنجانی در تعریف این اصطلاح می‌گوید:

مبنا و روش تفسیری عبارت از مستند یا مستندات است که مفسر بر اساس آن کلامی را که خود ساخته و پرداخته است به عنوان تفسیر کلام خدا و معنی و مقصود آیات الهی قلمداد می‌کند (نک: عمید زنجانی، ص ۱۸۷).

گاهی آن را براساس نوع چینش مفسر، به تفسیر ترتیبی یا تفسیر موضوعی و گاهی به تفسیر نقلی یا تفسیر اجتهادی تقسیم می‌کنند و روش تفسیر نقلی را نیز به روش تفسیر قرآن به قرآن و روش قرآن به روایات تقسیم نموده‌اند.

روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در این مقاله به تناسب موضوع، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است که با بهره‌گیری از قرآن کریم و منابع تفسیری و آثار دانشمندان اسلامی به انجام تحقیق مبادرت می‌گردد.

روش تحلیل

اطلاعات حاصله با استفاده از روش تحلیل کیفی (فرآیندها، شیوه‌ها، مدل‌ها و رویکردها) و روش‌های مختلف در فهم و درک، استنباط و بیان مقاصد قرآنی، مورد بحث قرار گرفته است و از بین روش‌های به کار رفته در تفسیر قرآن کریم، روش تفسیر جامع را به عنوان روش مطلوب معرفی می‌نماید.

سوابق تحقیق

بررسی‌های به عمل آمده بیانگر آن است که موضوع روش‌های تفسیر قرآن کریم، طی دهه‌های اخیر مورد مطالعه پژوهشگران و محققان مسلمان قرار گرفته است، و هر یک با توجه به زمینه‌های مطالعاتی و معیارهای ارزشی مورد نظر خود، به نتایجی دست یافته‌اند و کتب و مقالاتی را نیز در این زمینه منتشر کرده‌اند (نک: الذهبی، التفسیر و المفسرون)؛ و لیکن هر کدام از این محققان به یک و یا چند بعد آن پرداخته‌اند و تمام ابعاد آن را مورد مطالعه قرار نداده‌اند؛ و چه بسا قصور نگارنده مانع دست‌یابی وی به تحقیقات انجام یافته بوده باشد.

مبانی نظری تحقیق

روش‌های تفسیری قرآن کریم

اندیشمندان علوم قرآنی در تقسیم روش‌های تفسیری اتفاق نظر ندارند. چنانکه، آیت الله معرفت تفسیر را به دو نمط و منهج « تفسیر به مأثور » و « تفسیر اجتهادی » تقسیم کرده است؛ و تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت، تفسیر به قول صحابی و تفسیر قرآن به قول تابعی را از انواع تفسیر به مأثور می‌داند؛ و تفسیر ادبی، فقهی، کلامی، فلسفی، عرفانی، رمزی، صوفی، اشاری، اجتماعی، علمی و تفسیر جامع را از اقسام تفسیر اجتهادی قرار داده است (نک: معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ج ۲، ص ۲۱-۲۷).

و نویسنده کتاب "مکاتب تفسیری" روش‌های تفسیری را تحت عنوان مکاتب تفسیری، به سه مکتب روایی محض، باطنی محض و اجتهادی تقسیم کرده است. مکتب اجتهادی را نیز، بر حسب گرایش‌های مختلف مفسران در اجتهاد، به مکتب‌های اجتهادی روایی، اجتهادی قرآن به قرآن، اجتهادی ادبی، اجتهادی علمی، اجتهادی جامع و اجتهادی باطنی، دسته بندی کرده است (بابایی، مکاتب تفسیری، ص ۸).

آیت الله عمید زنجانی نیز عمده‌ترین روش‌های تفسیری را چنین برمی‌شمارد:
۱- روش تفسیر نقلی یا تفسیر به مأثور (تفسیر آیات فقط به وسیله احادیث و روایات منقول از پیامبر(ص) و یا اهل بیت معصوم آن حضرت انجام می‌گردد).

- ۲- روش تفسیر به رأی (در مقاله حاضر مورد بررسی قرار گرفته است).
- ۳- روش تفسیر اجتهادی یا عقلی (مفسران این روش برای آشکار شدن معانی آیات از همه زمینه‌های علمی خود استفاده می‌کنند).
- ۴- روش تفسیر اشاری (طرفداران این روش، علاوه بر اجتهاد در فهم معنای ظاهر، معنای باطنی و اشاری نیز برای آیات ذکر می‌کنند).
- ۵- روش تفسیر رمزی (طرفداران این روش معتقدند که قرآن ظاهری دارد و باطنی؛ و مراد حقیقی همان باطن است و نسبت باطن به ظاهر چون نسبت مغز است به پوسته. بنابراین مقصود اصلی خود مغز است و پوسته فقط برای صیانت آن است).
- ۶- روش تفسیر قرآن به قرآن (مفسران در این روش در تفسیر آیات بیشترین کمک را از خود قرآن می‌گیرند، و برای توضیح آیات بیش از هر چیز از آیات دیگر استفاده می‌کنند).
- ۷- روش تفسیر جامع (مفسران این روش برای توضیح معنای آیات از امور مختلف کمک می‌گیرند. هم از ادبیات عرب، هم از خود آیات قرآن، هم از روایات و هم از قراین عقلی و داده‌های علمی به فراخور دانش و آگاهی خود استفاده می‌کنند).

روش تفسیر جامع

صحیح‌ترین و جامع‌ترین روشی که هر مفسر می‌تواند با پیروی از آن به درک حداکثر معارف و علوم قرآن نایل گردد؛ روشی است که بر اساس استفاده هر چه بیشتر از امکانات سه گانه قدرت تفکر و تدبر، مقدمات علمی تفسیر و استفاده از مجاری وحی استوار باشد.

و هر چه این امکانات بیشتر و بهره برداری از آنها فزون تر باشد میزان درک حقایق و معارف قرآن نیز به همان اندازه بیشتر و پر بارتر خواهد بود (نک: عمید زنجانی، ص ۳۱۵).

مستلزمات روش تفسیر جامع

تفکر و تعقل برای فهم صحیح قرآن

خداوند نعمت‌های بی شماری را بر آدمیان در طول تاریخ حیاتش ارزانی نموده است؛ اما از میان همه نعمت‌های او، دو نعمت بزرگ و بی‌ژگی خاص دارند، و آن دو را حجت که دلیل و راهنمای آدمیان برای رسیدن به کمال قرار داد.

یکی از آن دو، پیامبر (ص) است که خداوند از بعثت او چنین یاد می‌کند:

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (آل عمران / ۱۶۴)؛ به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد (که) پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

دیگری عقل است که خداوند در باره این موهبت نیز چنین می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَقَضَلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً (اسراء / ۷۰)؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌ها) برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

مراد از این فضیلتی که در این آیه به آن اشاره شده، عقل است، چنانکه علامه طباطبایی (المیزان، ج ۱۳ / ۱۵۵) در تفسیر این آیه می‌نویسد:

انسان در میان سایر موجودات عالم خصوصیتی دارد که در دیگران نیست و آن داشتن نعمت عقل است.

دروجه انسان، هیچ موهبتی به اندازه موهبت عقل و نیروی فکر، ارزش حیاتی و انسانی ندارد. نقشی که تعقل در زندگی انسان و در سعادت و تکامل و موفقیت وی در برابر مشکلات حیاتی دارد، قابل مقایسه با نیروهای دیگر انسان نیست. اصولاً دیگر استعدادهای بشر نیز، هنگامی برای انسان سودمند خواهد بود که تحت رهبری و کنترل کامل عقل قرار گیرد؛ و مواهب اکتسابی نیز تنها از طریق به کارگیری عقل و فکر برای انسان قابل تحصیل می‌باشد.

برخورداری انسان از موهبت ایمان و دانش نیز در سایه تعقل حاصل می‌شود، و هر نوع تکامل، رشد مادی و معنوی انسان، مرهون به کارگیری این نیرو و موهبت بزرگ است.

اصولاً، چه موهبتی با ارزش تر و مقدس تر از این نیرو، که وقتی انسان متحیر، برای رفع تحیر خویش بدان تمسک می‌جوید، او را به راه صلاح و فلاح رهنمود کرده، باعث شود که او هدایت را از ضلالت و سعادت را از فساد و تباهی و ناکامی تشخیص دهد؟

قرآن کریم بطور مکرر، انسان‌ها را به تدبّر و تعقل و تفکر دعوت می‌کند؛ و عباراتی همچون: " لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ " و " لَعَلَّهُمْ يَعْقِلُونَ " و " أَفَلَا تَعْقِلُونَ " ... در هر بخشی از قرآن، تلاوت کننده را به تعقل وامی‌دارد و اهمیت عقل و اندیشه را گوشزد می‌نماید. البته باید دانست که وقتی از عقل سخن گفته می‌شود منظور عقل فطری و سلیم است عقلی که وارسته از تعلقات باشد، زیرا (تعلق با تعقل جمع نمی‌گردد) (نک: <http://esra.ir/main.asp>).

و با چنین عقل سلیم است که می‌توان در بحر عمیق قرآن فرو رفته و گوهرهای ناب را صید کرد؛ و در این مسیر مشکلات و معضلات را با کمک آن حل نمود؛ و تنها به وسیله عقل است که می‌توان از دو منبع قرآن و سنت استفاده کرد و قرآن را تفسیر نمود. زیرا عقل به عنوان حجت باطنی (پیامبر درونی) و یکی از نعمت‌های بزرگ الهی به شمار می‌رود.

در اهمیت عقل همین بس که خداوند به واسطه آن به انسان شایستگی تعقل در آیاتش را ارزانی نموده است (نک: زخرف / ۳) و انبیا را که محبوب‌ترین بندگانش نزد او هستند، از میان عاقل‌ترین انسان‌ها برانگیخت و از آنان پیمان گرفت تا در جهت تکامل عقلی امت خود بکوشند. چنانکه امیر مؤمنان علی(ع) چنین بیان می‌فرماید:

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ، وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ، لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ، وَيَذْكُرُوهُمْ مَنَسِيَّ نِعْمَتِهِ، وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالْبَلَّيْغِ، وَيَذِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ (نهج البلاغه، خطبه ۱)؛ پس پیامبران را به میانشان بفرستاد. پیامبران از پی یکدیگر بیامدند تا از مردم بخواهند که آن عهد را که خلقتشان بر آن سرشته شده، به جای آرند و نعمت او را که از یاد برده‌اند، فرا یاد آورند و از آنان حجت

گیرند که رسالت حق به آنان رسیده است و خردهاشان را که در پرده غفلت، مستور گشته، برانگیزانند.

پس بی جهت نیست که خدای سبحان در قرآن کریم بیش از ۴۷ بار به تعقل، و بیش از ۱۸ بار به تفکر دعوت نموده و بارها صاحبان خرد را با عنوان زیبای اولوالالباب ستوده است و شایسته بشارت خویش نموده است؛ چنانکه می فرماید:

فَمَيِّسِرٌ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر / ۱۸) ؛ پس بشارت ده به آن بندگان من که ، به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.

در اهمیت تفکر و عقل از پیامبر اکرم(ص)، نقل شده است که فرمود:

ما قسم الله للعباد شيئا أفضل من العقل، فنوم العاقل أفضل من سهر الجاهل، وإقامة العاقل أفضل من شخوص الجاهل، ولا بعث الله نبيا ولا رسولا حتى يستكمل العقل، ويكون عقله أفضل من جميع عقول أمته (كليني ، ج ۱، ص ۱۲)؛ خداوند به بنده گانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است. زیرا خوابیدن عاقل از شب بیداری جاهل و نادان افضل است، و در منزل بودن عاقل، از مسافرت جاهل (به سوی حج و جهاد) افضل است. و خداوند، پیامبر و رسولی را تا آن زمان که عقلش کامل نشود و بر عقول تمامی امت خود برتری نیابد، مبعوث نساخت.

و در روایتی دیگر، امام باقر علیه السلام، می فرماید:

إنما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة على قدر ما آتاهم من العقول في الدنيا (كليني ، ج ۱، ص ۱۱)؛ برآستی که در روز بازپسین، دقت در حساب هر کس به میزان بهره عقلی او در دنیا خواهد بود.

حصول مقدمات ضروری تفسیر قرآن

به یقین، فهم قرآن هنگامی میسر خواهد بود که با یک سلسله مبادی و مقدمات علمی همراه باشد. مبادی و مقدمات علمی تفسیر قرآن، که پایه اساسی تفسیر قرآن محسوب می شوند، گرچه در حقیقت ابزار و وسایل عقل و فهمند؛ ولی به جهت احتیاج مبرم به آنها در فهم قرآن، نقش موثری را در این زمینه به عهده دارند. و اصولاً میزان فهم قرآن ارتباط کامل با میزان آگاهی مفسر از این

مبادی و مقدمات علمی دارد. مانند علوم و قواعد زبان عربی و جنبه‌های فصاحت و بلاغت قرآن؛ و بخش دیگری از مقدمات، مانند دانستن شأن نزول، در فهم صحیح معانی قرآن مؤثر است؛ و شخص مفسر بدون اطلاع از آنها، نه توانایی تفسیر خواهد داشت و نه صلاحیتی برای آن.

این مقدمات ضروری برای فهم و تفسیر قرآن را می‌توان در چند مورد زیر خلاصه کرد:

۱- ایمان و تقوا

کسی که در صدد فهم پیام قرآن است، بی شک، بدون ایمان به درستی رسالت محمد(ص) و دعوت قرآن، هرگز قادر به فهم صحیح قرآن نخواهد بود. چرا که قرآن کریم کتابی همانند دیگر کتب نیست تا انسان بتواند بر اثر آشنایی با لغات و قواعد عربی به همه معارف آن دست یابد، کتابی است که از علم خداوند سرچشمه گرفته و درک معارف بی‌انتهای آن بدون تقوا و ارتباط با خدا، امکان پذیر نیست، اگر چه چشم و گوش و هوش انسان در بهره‌مندی از علم، دخالت دارند ولی جای این علم قلب است و خداوند علم قرآن را به قلب کسی القا و الهام می‌کند که با نیروی تقوا، از سلامت و پاکی لازم برخوردار باشد.

چنانکه قرآن نیز هدایت واقعی و بهرمندی حقیقی از روشنایی‌های خود را از آن کسانی می‌داند که واجد ایمان و تقوا باشند در این مورد می‌فرماید: ذَلِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره/ ۲)؛ این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقوای پیشگان است.

و درک حقایق آیات در انحصار کسانی قرار می‌دهد که از آلودگی‌های شرک و بی‌ایمانی پاک و منزّه باشند. از این رو، مفسر برای فهم قرآن، قلب پاک و طاهر لازم دارد؛ چنانکه می‌فرماید: إِنَّهُ لَفَرَّقَ كَرِيمٌ ، فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (واقعه/ ۷۹)؛ که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند، در کتابی نهفته ، که جز پاک‌شدگان بر آن دست ندارند.

و در جای دیگر، به صورت شرط و جزا می‌فرماید : إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا (انفال/ ۲۹)؛ اگر تقوا را پیشه‌ی خود کنید و در برابر دستورهای الهی با

تقوی باشید، خداوند برای شما نوری از علم قرار می‌دهد که جدا کننده‌ی بین حق و باطل است.

در آیه دیگر، فهم و پذیرش معارف اسلام موهبتی الهی دانسته شده، و خداوند به هر کس که بخواهد هدایتش کند برای پذیرش آن به او، شرح صدر ارزانی می‌دارد. در این باره می‌فرماید:

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّما يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرُّجُسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (انعام/۱۲۵)؛ پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید و هر که را بخواهد گمراه کند دلش را سخت تنگ می‌گرداند چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود اینگونه خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد.

البته منظور از هدایت و اضلال الهی فراهم ساختن یا از میان بردن مقدمات هدایت در مورد کسانی است که آمادگی و عدم آمادگی خود را برای پذیرش حق با اعمال و کردار خویش اثبات کرده‌اند (نک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۵، ۴۳۳).

از سوی دیگر، علوم قرآن از مبدأ وحی سرچشمه گرفته است و تا دل به نور ایمان روشن نگردد، ارتباط حقیقی با سرچشمه‌ها و مجاری وحی ممکن نمی‌شود، همچنین دلی که خالی از نور ایمان باشد و عقل و فکری که به کجروی‌های شرک و بی‌ایمانی و آثار آن آلوده گشته باشد؛ هرگز قادر نخواهد بود پیام قرآن را درک نماید و به معانی و مفاهیم واقعی آیات دست یابد. اینگونه افراد در فهم قرآن دچار انحراف بیشتر و احساسات منفی نیز خواهند شد. خود قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا (اسراء/ ۸۲)؛ و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم و [الی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.

و چه بسا که از قرآن برای پیشبرد اهداف نفسانی و گسترش تبلیغات خصمانه و ضد قرآنی خود نیز، بهره برداری نمایند. خداوند چه زیبا بیان می‌فرماید که:

فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ (آل عمران/۷)؛ اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند.

۲- آشنایی با زبان و ادبیات عرب

برای فهم و درک هر زبان، باید قواعد و علوم ادبی آن زبان را فرا گرفت؛ خصوصاً در موردی که زبان مزبور همانند زبان عربی حاوی نکات دقیق ادبی باشد، و کتاب مورد نظر که به آن زبان نگارش یافته است، خود نیز مانند قرآن کریم، شامل جمیع نکات و لطایف ادبی آن زبان بوده، و در اوج فصاحت و بلاغت معجزه‌وار سخن گفته باشد.

بنابراین، آشنایی با علم لغت، صرف و نحو، اشتقاق و معانی و بیان و قرائت به گونه‌ای که فهم قرآن را تسهیل نماید، ضرورتی انکارناپذیر است. گرچه مفسر برای درک مقاصد قرآن کریم، احتیاج بیشتری به داشتن اطلاعات کافی از این علوم، و ظرافت‌های فصاحت و بلاغت آن دارد.

۳- مراعات دلالت لفظی

برای آن که مفسر دچار تأویل و تطبیق نگردد، باید به جهات و مناسبات لفظی آیات توجه فراوان مبذول دارد و از محدوده خصوصیات زبان عربی و کیفیت استعمال‌ها و دلالت‌ها و بالاخره از قواعد و آداب این زبان بیرون نرود، از دخالت دادن نظر و رأی شخصی و تطبیق آیات بر حسب مبنای فکری و یا ذوقی خودداری نماید.

بر این اساس مفسر باید تابع دلالت لفظی آیات باشد نه آن که دلالت آیه را تابع رأی و فهم خویش قرار دهد، و یا از انگیزه‌های دیگر که موجب تطبیق و تأویل می‌گردد، تبعیت نماید. مفسر، به جهت مراعات این اصل ضروری، نه تنها نیازمند اجتناب از دخالت دادن اختلافات مذهبی، رسوبات فکری و تقلیدی و نظرهای شخصی و علمی در تفسیر قرآن می‌باشد، بلکه لازم است در استخراج و کشف معانی و مقاصد موارد مشابه از کلام عرب، تمرین و ممارست کافی داشته، در این راه از معلومات نظام یافته ذهنی و ذوق و فکر سالم نیز برخوردار باشد. از این رو، یکی از علوم ضروری برای هر مفسری آشنایی با علم اصول فقه می‌باشد) نک: المظفر، اصول الفقه، ج ۱، ص ۷ به بعد).

۴- شناخت اسباب نزول

مراد از اسباب نزول، حوادث و پرسش‌های است که در دوره نزول آیات قرآن بوجود آمده است و به تناسب آنها، سوره و یا آیاتی نیز بر پیامبر (ص) نازل شده است. اگر مفسر از این حوادث آگاهی کافی و دقیق نداشته باشد، در تفسیر این گروه از سوره‌ها و آیات با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

یکی از فواید آن، شناخت حکمت تشریح برخی از احکام است. از باب مثال، ظاهر آیه " وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ " (بقره/۱۱۵)؛ و مشرق و مغرب از آن خداست پس به هر سو رو کنید آنجا روی [به] خداست - نشان می‌دهد که استقبال قبله در نماز شرط نیست. در حالی که اگر مفسر سبب نزول آیه را بداند، در می‌یابد که مراد آیه نمازهای مستحبی در سفر است و در مورد کسی است که پس از کوشش لازم جهت قبله را تشخیص ندهد.

۵- شناخت علوم قرآن

در آیات قرآن، خصوصیات و حالاتی از قبیل محکم و متشابه، تخصیص، تقید، تبیین، نسخ و نظایر آنها به حدی وجود دارد که درک مقاصد و معانی حقیقی آیات، بدون اطلاع از چگونگی آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد. از این رو، مفسر باید تمام موارد محکم و متشابه، عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مبین و ناسخ و منسوخ را به خوبی تشخیص دهد. و علاوه بر آن، باید قواعد و قوانین مربوط به موارد مزبور را به دقت مراعات نماید، زیرا کوچکترین نقص علمی در این زمینه، موجب انحراف در فهم قرآن و سلب صلاحیت تفسیر از شخص خواهد بود.

۶- آگاهی از سایر علوم

قرآن، سرچشمه بسیاری از علوم را موجب گردیده، در باره آنها نکات و اشارات پربار و گرانبهایی نموده است. قرآن، علاوه بر تاریخ، احکام تشریحی و قانون‌گذاری، به رشته‌های دیگری از قبیل اسرار آفرینش آسمان‌ها، نباتات، حیوانات، انسان‌ها، همچنین روابط اجتماعی مردم، اخلاق جامعه بشری، و نیز یک سلسله مطالب فکری و فلسفی و غیره، پرداخته، با جملاتی کوتاه، ولی پر مغز و دقیق، حقایق و معارف بلندی را به اجمال بیان نموده است. بدیهی است

درک این آیات و تفسیر و تبیین آنها در هر یک از رشته‌های مزبور، احتیاج به یک سلسله اطلاعات قبلی در رشته های مزبور دارد که مفسر، قبل از ورود به این مقوله باید بهره کافی از آن علوم داشته باشد. از این رو، آگاهی مفسر از آنچه در حوزه‌های علوم انسانی و تجربی مورد کاوش دانشمندان قرار گرفته، راه را برای درک معارف بلند وحی در بسیاری از آیات هموارتر می‌سازد. اهمیت این گونه شناخت‌ها از آن روست که از یک سو بسیاری از آیات، مؤمنان را به مطالعه طبیعت و موجودات آن فرا می‌خواند، و از دیگر سو، خود قرآن نیز در این زمینه مشتمل بر معارف فراوانی است. پژوهش‌های انجام شده در رشته‌های مختلف علوم انسانی و تجربی مانند فیزیک، نجوم، زیست‌شناسی، زمین‌شناسی به ویژه اکتشافاتی که در عصر جدید به انجام رسیده، از اسرار فراوانی از کیهان‌شناسی، طبیعت و پدیده‌های آن، ابعاد روحی انسان، پرده برداشته است. از این رو، آگاهی از این دانش‌ها مفسر را در فهم عمیق‌تر قرآن یاری می‌دهد.

۷- قدرت استحضار آیات مشابه

با توجه به اینکه قرآن خود، بهترین مفسر خویش است، باید در تفسیر و فهم آیات قرآن، موارد آیات مشابه را که از نظر موضوع آنها یکسان و یا نزدیک به هم است، در نظر گرفت و از مجموع آنها کشف حقیقت معنا و مقصود آیه مورد نظر را پی‌جویی نمود؛ چرا که راهیابی صحیح به مقاصد برخی آیات در گرو آگاهی از سایر آیات است. علی(ع) در بخشی از سخنان خود در توصیف قرآن می‌فرماید:

يُنطِقُ بَعْضُهُ يَبْعَضُ، وَيَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳)؛
 بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گویند و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهند.

از این رو، لازم است مفسر، جهت استحضار آیات هم معنا و یا قریب المعنی آمادگی لازم را احراز نماید، و با داشتن تسلط و احاطه کامل بر موضوعات قرآنی، اقدام به تفسیر قرآن نماید. چنین شخصی می‌تواند این آمادگی و مهارت را از راه حفظ آیات و یا تلاوت حداقل یک جزء قرآن در روز، کسب نماید.

بنابر این، مفسر باید با حضور ذهنی قوی بتواند آیات مشترک در یک موضوع را جمع آوری نموده و در کنار یکدیگر قرار دهد، و نتیجه گیری نماید، و این بدان سبب است که مجموعه قرآن، کلام واحدی است که خالق هستی به منظور هدایت آدمیان به تدریج در اختیار آنان قرار داده است.

۸- مراجعه به سنت معصومین(ع)

عنصر اساسی در تفسیر صحیح قرآن، مراجعه کامل و همه جانبه به سنت و بیانات معصومین(ع) و حداکثر استفاده از علم حدیث در استخراج ذخایر دقیق و گرانبهای آیات قرآن می باشد.

یکی از منابع مهم تفسیر، سخنان و احادیث نقل شده از پیامبر گرامی اسلام است. آن بزرگوار معلّم، مفسّر و مبین قرآن بود و صحابه آن حضرت هرگاه در فهم قرآن به مشکلی برمی خوردند به محضر آن بزرگوار مشرف شده و از ایشان سؤال می کردند.

پیامبر(ص) به نصّ صریح قرآن، معلّم و مبین کتاب الهی است:

گما ارسلنا فيكم رسولاً... يعلمكم الكتاب(بقره/۱۴۱)؛ همچنانکه در بین شما پیامبری فرستادیم... تا به شما کتاب خدا را تعلیم دهد.
وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ(نحل/۴۴)؛ ما ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه برایشان نازل شده، بیان کنی.

علاوه بر پیامبر(ص)، بیانات اهل بیت معصوم(ع) نیز، از منابع تفسیر قرآن است. چون آن بزرگواران به فرموده پیامبر(ص) همردیف قرآن هستند (نک: حدیث ثقلین) و مردم وظیفه دارند در فهم قرآن به اهل بیت تمسک جویند.

البته نکته مهم، چگونگی مراجعه به تربیت یافتگان وحی در تفسیر قرآن کریم است.

بدیهی است در مواقعی که دسترسی به شخص پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) امکان دارد، بر قراری ارتباط با ایشان به صورت استفاده حضوری از بیانات آن بزرگواران تحقق پذیر است. اما در شرایطی که تشرّف حضوری ممکن

نیست - مانند عصر غیبت - تنها راه ایجاد ارتباط با ایشان، مراجعه به روایات و احادیث نقل شده از آنان می‌باشد (نک: عمید زنجانی، ۳۳۱).

مراجعه به روایات در تفسیر و فهم آیات قرآن دارای فواید فراوانی است، از قبیل:

الف) آموزش و راهنمایی صحیح در فهم قرآن و چگونگی استخراج معانی و کشف مقاصد آیات. زیرا که ممارست و بررسی روایات تفسیری، خود به عنوان یک نوع آموزش روش صحیح تفسیر از زبان وحی محسوب می‌شود، مفسر می‌تواند از این راه ذوق و استعداد و در نهایت ملکه تفسیر و فهم قرآن را به دست آورد.

ب) عمق بخشیدن به تأثیرات تدبیر در قرآن و گسترش افق نگرش عقلی در کشف بطون و حقایق عمیق آیات، که تنها از راه ایجاد ارتباط با مجاری وحی امکان پذیر می‌باشد. چنانکه احاطه کامل به علوم قرآن نیز، جز از راه یادگیری از تربیت یافتگان وحی میسر نمی‌باشد، چرا که علم کامل به مجموعه وسیع معارف و حقایق قرآن فقط از ویژگی‌های مقام نبوت و امامت است.

ج) توضیح و تشریح آیات احکام، و تفصیل قصص قرآن و وقایع معاد، که برای دستیابی به آنها راهی جز بیانات معصومین (ع) وجود ندارد.

ناگفته پیداست که مراجعه به سنت، به منظور به دست آوردن نتایج فوق، خود نیازمند مقدماتی است که در علم حدیث مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ و دانستن آنها کاملاً ضروری است. آشنایی کامل با لسان حدیث و خصوصیات آن، تشخیص مواردی از قبیل عموم و خصوص، اطلاق و تقیید، اجمال و تبیین و نظایر آنها، و همچنین دانستن قواعد و اصولی که باید در باره موارد مزبور، به منظور کشف مراد واقعی متکلم به کار رود؛ از جمله مقدمات علم حدیث به شمار می‌آید. و از دیگر مقدماتی که پرداختن به حدیث، بدون آن، فاقد اثر و نتیجه مطلوب می‌باشد، « علم الحدیث » است. منظور از « علم الحدیث » اصول و قواعدی است که به یاری آنها می‌توان حدیث صحیح و قابل اعتماد را از حدیث جعلی و نادرست و غیر قابل قبول، تشخیص و تمییز داد. البته بدیهی است که با توجه به دروغ پردازی‌های دشمنان دین و سوداگران حدیث، که جعلیاتی را

تحت عنوان " حدیث " به معصومین علیهم السلام، نسبت داده‌اند، میزان اهمیت و ضرورت عنایت به این قسمت از مقدمات علم حدیث کاملاً آشکار می‌شود. (نک: مدیر شانه‌چی، علم الحدیث، ص ۷ و درایة الحدیث، ص ۲).

تقدم فهم کلی قرآن بر فهم روایات

شایان ذکر است که قرآن اصل است و روایات فرع آن، قرآن اصول کلی را طرح می‌نماید؛ و روایات حدود، جزئیات و خصوصیات آن را بیان می‌کند. پیش از فهم روایات، نخست باید قرآن را فهم کرد؛ و سپس برای بیان فروع آن، از روایات استفاده نمود. در این صورت است که اولاً روایات مخالف با قرآن را می‌توان شناخت و رد کرد، و ثانیاً روایاتی پذیرفته می‌شود که مخالف قرآن نباشد و در نهایت با استفاده از چنین روایاتی، جزئیات و مصداق‌های اجرایی آیات قرآنی، روشن می‌گردد.

در این راستا، پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) دستور فرموده‌اند که در صورت شک در صحت روایات، آنها را به قرآن عرضه نمایید و با قرآن بسنجید، در صورت مخالفت با قرآن به دور اندازید. این موضوع در کتاب‌های اصول در باب " تعادل و ترجیح " ذکر می‌شود که یکی از مرجحات و یا شرایط اعتبار روایت، موافقت و عدم مخالفت آن با قرآن کریم است.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود:

إِيهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَاءَنَّا فَلْتُهُ وَ مَا جَاءَكُمْ يَخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقْلُهُ (کلینی، ج ۱، ص ۶۹)؛ ای مردم آنچه از جانب من به شما رسید و موافق قرآن بود آن را من گفته‌ام و آنچه به شما رسید و مخالف قرآن بود من آن را نگفته‌ام.

۹- آگاهی از علم منطق

از آن روی که تفسیر قرآن مبتنی بر اندیشه‌ورزی در کلام خداوند و سپس اظهار نظر و انتساب آن به خالق هستی است بایستی مفسر پیش از ورود به این عرصه علم منطق را بیاموزد تا فکر و اندیشه خود را از خطا مصون دارد. "منطق" قانون تفکر صحیح است که از شرایط، شیوه‌ها و اقسام "تعریف و استدلال صحیح" سخن می‌گوید و معیارهای تشخیص صحت و خطای "صورت

تفکر" را مطرح می‌نماید، از این رو فراگیری آن- خصوصاً منطق ریاضی- در فهم درست و تفسیر صحیح ضروری می‌باشد.

۱۰- پرهیز از پیش داوری:

راهیابی به مقاصد وحی مستلزم آن است که فضای ذهن مفسر پیش از تحقیق و کاوش همه جانبه در آیات وحی و سایر منابع، در اشغال آرا و دیدگاه‌های دیگر قرار نگرفته باشد؛ زیرا در این صورت آرای پیشین راه را بر تحقیق - به معنای واقعی - مسدود ساخته، مفسر را از دستیابی به حقیقت باز می‌دارد.

برخی از اندیشمندان بر این باورند که مراد از تفسیر به رأی- که مورد مذمت شدید پیامبر (ص) قرار گرفته - این است که مفسر ابتدا دیدگاه مشخصی را به دیده قبول تلقی، و سپس آیات قرآن را بر اساس آن تفسیر نماید.

۱۱- اطلاع و آگاهی از آثار پیشینیان:

سخنان صحابه از آن رو که خود شاهد نزول وحی بوده‌اند، و تابعین (نسل پس از صحابه) نیز از آن جهت که این سخنان را بی‌واسطه از صحابه دریافت داشته و منتقل نموده‌اند، مورد توجه مفسران بوده است. افزون بر این، شناخت آراء و مطالعه آثار برجای مانده از سایر مفسران قرآن، مفسر را در شناخت دقیق‌تر معارف آسمانی یاری می‌دهد.

مراد از این شرط آن است که مفسر قرآن از آرا و تفاسیر پیشینیان و همچنین از شیوه آنان در تدبر و تحلیل مفاهیم و مقاصد آیات آگاه گردد و با نگرشی همه جانبه به تفسیر روی آورد، نه آنکه مجموعه آرای پیشینیان را به دیده قبول تلقی نموده، در حصار همان آرا متوقف بماند.

شایان ذکر است که فهم مفسران یکسان نمی‌باشد؛ و وحی الهی نیز همانند باران رحمتی است که از آسمان غیب می‌بارد. و دل‌های مفسران همانند ظرف‌های گوناگون که هر کس به اندازه‌ی ظرفیت خود بهره می‌برد، قطعاً آیندگان، معارف قرآن را به نحو دقیق‌تر و عمیق‌تری از گذشتگان خود خواهند فهمید و آیات الهی نیز به گونه‌ای است که فهم هر مرتبه‌ی از آن، راه را برای فهم مراتب بالاتر هموار می‌سازد.

تفسیر به رأی

در صورتی که مفسر صلاحیت های اعتقادی و علمی پیشین را نداشته باشد و یا در تفسیر آیات، سه منبع کتاب، سنت و عقل را مرجع خود قرار ندهد، نمی توان کار او را تفسیری ضابطه مند نامید. در روایتی، از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که فرمود:

قال الله عز و جل: ما آمن بی من فسر برأیه کلامی (حر عاملی، ج ۱۸/ ۱۳۷)؛ خداوند فرموده است: هر کس سخن من (قرآن) را با رأی خویش تفسیر کند، به من ایمان نیاورده است.

و در روایت مشهوری از آن حضرت نقل شده است که فرمود:

مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بغير علم قَلِيلًا مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ (نک: ری شهری، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۳۶۵)؛ هر کس بدون علم در باره قرآن سخن گوید، برای خود جایگاهی در آتش دوزخ انتخاب کرده است.

حدیث فوق نمونه ای از متون احادیثی است که در این مورد وارد شده است اینگونه روایات نکوهش کننده از تفسیر به رأی به بیش از ۱۰ روایت می رسد؛ و از آنجا که روایات یاد شده در عین عبارات متفاوت، از نظر دلالت بر مقصود یکسانند، از ذکر آنها خودداری می شود (نک: بابایی، ۱۳۷۹ ص ۵۶).

اکنون باید دید مقصود از تفسیر به رأی و یا تفسیر بدون علم و دانش چیست که مسلمانان به شدت از آن نهی شده اند؟

اندیشمندان قرآنی با الهام از همین روایات، تفسیر بی ضابطه قرآن را تفسیر به رأی نام نهاده، و همواره در آثار تفسیری و علوم قرآنی خود مردمان را از آن بر حذر داشته اند.

در چستی تفسیر به رأی گرچه آرای متعددی مطرح گردیده، ولی آنچه به وضوح از متن روایات بر می آید این است که تفسیر ناصواب و مذموم از دیدگاه پیامبر و اهل بیت، تفسیری است که مبنای آن تنها رأی و نظر شخصی مفسر باشد و در آن هیچ معیار دیگری از قبیل روایات، شأن نزول، دیدگاه مفسران پیشین، قواعد تفسیر و ... لحاظ نگردد. در هر حال شاخص های تفسیر به رأی عبارت اند از:

۱- کسی آیه را (بدون قرینه و شاهد)، مطابق معتقدات قبلی و پیش داوری های شخصی خود تفسیر کند؛ و به جای این که قرآن را هادی و رهبر خود قرار دهد، قرآن را بر عقاید خود تطبیق نماید. تا آن جا که اگر از قبل چنین اعتقادی نداشت، هرگز آیه را همان طور تفسیر نمی کرد (نک: طبرسی، ج ۱/ ۱۲).

نمونه این نوع تفسیر به رأی در کتاب های کسانی که از مکتب های خاصی مانند «معتزله»، «اشاعره»، «باطنیه» و «صوفیه» پیروی می کنند و اخیراً گروه هایی مانند: گروه فرقان؛ وهابیون؛ سلفیون - زیاد به چشم می خورد (نک: <http://www.makaremshirazi.org/persian>)

۲- معنای دیگر تفسیر به رأی این است که از معنای ابتدایی آیات متشابه، بدون در نظر گرفتن دلایل قطعی و آیات دیگر قرآن، پیروی کنیم؛ مثل این که از دلایل علمی و آیات دیگری که بطور آشکار جسم بودن خدا را نفی می کنند چشم پوشیده و به ظواهر بعضی از آیات که همگی کنایه و مجازند، بر جسم بودن خدا استدلال کنیم و مثلاً بگوییم (ید الله فوق ایدیم) (فتح/۱۰) دلیل بر این است که خدا دست دارد. در حالی که بدون شک منظور از « ید » در این جا دست نیست بلکه کنایه از قدرت خداست.

۳- معنای سوم تفسیر به رأی این است که در تفسیر قرآن، از غیر خود قرآن استمداد کنیم؛ زیرا مجموع آیات قرآن-جز آیات مربوط به احکام-می تواند اجمال سایر آیات را رفع نمایند و در تفسیر قرآن به فهم صحابه و تابعین نیازی نداریم (نک: المیزان، ج ۳، صص ۸۵ - ۸۶).

نتیجه گیری:

خداوند دو نعمت بزرگ به آدمیان عرضه داشته است که یکی عقل است و دیگری پیامبر(ص). پیشیناز فهم و تفسیر کتاب آسمانی استفاده بهینه از این دو نعمت عظیم است.

تفسیر روشمند و روزآمد قرآن کریم که بتواند مشکلات فراروی مسلمانان را در سطح فردی، اجتماعی، ملی و بین المللی برطرف نماید از ضروریات عصر حاضر امت اسلامی است.

شناخت صحیح و جامع مفاهیم و معارف قرآن کریم در گرو تفسیر روش‌مند این کتاب آسمانی است.

جامع‌ترین روشی که هر مفسر می‌تواند با پیروی از آن به درک حداکثر معارف و علوم قرآن نایل گردد، استفاده هر چه بیشتر از قدرت تفکر، تحصیل مقدمات علمی تفسیر و بهره‌مندی از تعالیم تربیت یافتگان وحی آسمانی می‌باشد.

مفسری که در صدد فهم و تفسیر پیام قرآن است، بدون ایمان به درستی رسالت محمد(ص) و پیروی عملی از اوامر و نواهی قرآن، هرگز قادر به فهم صحیح قرآن نخواهد بود.

مفسر علاوه بر آشنایی با زبان و ادبیات عرب، باید از اسباب نزول آیات، و سایر علوم قرآنی نیز آگاهی داشته باشد.

قرآن کریم در قالب مضامین هدایتگر خود به بسیاری از پدیده‌های جهان خلقت اشاراتی دارد. از این رو، آگاهی از سایر علوم خصوصاً شاخه‌های مختلف علوم انسانی و علوم طبیعی مانند جامعه‌شناسی، فیزیک، نجوم، زمین‌شناسی و غیره، کمک شایان توجهی در فهم آیات می‌نماید.

جامع‌نگری یکی دیگر از شرایط تفسیر قرآن کریم است مفسر برای نتیجه‌گیری بهتر باید بتواند با حضور ذهنی قوی آیات مشترک در یک موضوع را جمع‌آوری نموده و در کنار یکدیگر قرار دهد تا در تفسیر قرآن کریم نگرشی جامع داشته باشد.

یکی از عناصر اساسی در تفسیر قرآن کریم استفاده حداکثری از بیانات و توضیحات پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) در ذیل آیات مختلف است.

اگر مفسر صلاحیت‌های اعتقادی و علمی ضروری را برای تفسیر نداشته باشد و یا در تفسیر آیات سه منبع "کتاب، سنت و عقل" را مرجع خود قرار ندهد، حاصل دسترنج او، جز تفسیر به رأی که به شدت از آن نهی شده، و وعده دوزخ داده شده است، چیز دیگری نخواهد بود.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، نشر مشرقین، ۱۳۷۹ ش.
- ۱- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال‌الدین محمد خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۲- بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، و تهران: (سمت)، ۱۳۸۱.
- ۳- بابایی، علی اکبر؛ عزیزبکی، غلامعلی؛ روحانی راد، مجتبی؛ زیر نظر: رجبی، محمود، روش‌شناسی تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، و تهران: (سمت)، ۱۳۷۹.
- ۴- بهجت پور، عبدالکریم؛ رضایی اصفهانی، محمد علی؛ کلانتری، ابراهیم؛ نصیری، علی؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۵.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، قرآن در قرآن، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۱.
- ۷- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، ۳۰ جلد، داراحیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، ۱۴۰۳ هـ.
- ۸- الذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، [ابی جا]، [ابی نا]، [ابی تا].
- ۹- رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
- ۱۰- ری شهری، محمد، میزان الحکمة، دارالحدیث، قم، ۱۴۱۶ هـ.
- ۱۱- طبرسی، الشیخ ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفة، بیروت، لبنان، ۱۴۰۶ هـ.
- ۱۲- طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ هـ.
- ۱۳- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روشهای تفسیر قرآن، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۱۴- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۴.

۱۵- کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، دارالصعب، دارالتعارف، بیروت ۱۴۰۱ هـ

۱۶- مدیر شانه‌چی، کاظم، علم الحدیث و درایة الحدیث دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، [بی تا].

۱۷- المصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۶۰؛ وزارة الارشاد الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.

۱۸- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم [بی تا].

۱۹- معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، الجامعۃ الرضویة، ۱۴۱۸ ق.

۲۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۶.

۲۱- <http://esra.ir/main.asp>

<http://www.makaremshirazi.org/persian>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی